بورس فلزات، تولدی نو، چالش هایی کهنه

 در روز اول افتتاح بورس،اولین معامله به صورت‏ نمادین بین وزیر صنایع و معاون به عنوان فروشنده از یک‏ سو و وزیر بازرگانی به عنوان خریدار از سوی دیگر صورت گرفت.در تحلیل آمار و ارقام معاملات نقدی و سلفه بورس فلزات از تاریخ 26 شهریور ماه تا 23 مهر ماه،چند نکته مشاهده می‏شود.اول این که از سه فلز فولاد،آلومینیوم،و مس،بیشترین معاملات مربوط به‏ فولاد و سپس مس و آلومینیوم بوده است.معاملات فولاد حدود 75 درصد،مس معادل 15 درصد و آلومینیوم حدود 10 درصد مجموع معاملات بورس را به خود اختصاص‏ داده است.با توجه به حجم و گستردگی بازار فولاد در کشورمان در مقایسه با فلزات دیگر،همین روند ادامه‏ خواهد داشت.اما از نظر روزها و تعدد معاملات،فولاد و آلومینیم با هم برابر هستند.هر دو فلز حدود 15 روز در مجموع یک ماه معامله داشته‏اند.در حالی که مس 7 روز معامله داشته است؛تقریبا نصف دو فلز دیگر.همین‏ موضوع نکته دیگری را که آشکار می‏سازد این است که‏ روزهایی وجود دارد که معامله فولاد که‏ کثیر المعامله‏ترین فلز است در حد صفر است.از طرف‏ دیگر نوسانات مربوط به حجم معاملات به قدری است‏ که تنها نشان از شروع و حرکت و آغاز کار را دارد.

طبیعی است که بورس فلزات در آغاز کار در برابر چالش‏های زیادی قرار دارد ولی از آن میان سه چالش را می‏تواند به عنوان عمده‏ترین و یا مهمترین چالش‏های‏ رو در روی آن عنوان کرد.

1-چالش داخلی:گرچه موضوع چالش داخلی خود در یک تجزیه و تحلیل عمیق‏تر به اجزاء مختلفی از جمله‏ نیاز به فرهنگ‏سازی،اطلاع‏رسانی و روابط عمومی، متشکل کردن عوامل و عناصر و بازیگران داخلی بازار فلزات‏ کشور و ایجاد چارچوب‏ها و سازماندهی‏های مناسب‏ تقسیم می‏شود اما مهمترین بخش آن متشکل کردن بازیگران‏ بازار فلزات است.

بازار فلزات ایران که بیشتر در آهن و فولاد خلاصه‏

بورس فلزات‏ تولدی‏نو،چالش‏های کهنه

در اواخر شهریور ماه سال جاری بورس فلزات افتتاح شد.هدف از تأسیس بورس فلزات این است که بازار معاملات‏ انواع فلزات را متشکل ساخته و آن را منظم کند.وجود بورس فلزات باعث می‏شود که کلیه عرضه کنندگان و متقاضیان‏ انواع فلزات مکانی برای مراجعه و انجام معامله با یکدیگر داشته باشند.در نتیجه‏ی این تمرکز،در واقع کانونی ایجاد می‏شود که در آن،عوامل و عناصر بازار فلزات می‏توانند جمع شوند و عرضه و تقاضا و نیز قیمت شفاف گردد.تمرکز و شفاف شدن بازار فلزات،از پراکندگی معاملات،رانت‏های مختلف ناشی از فقدان اطلاعات و بسیاری از آشفتگی‏های‏ بازار جلوگیری می‏کند.

می‏شود.بازاری گسترده با یک شبکه پیچیده و وسیع است. جنگ و نیاز به بازسازی،توسعه زیربناهای کشور و نیز پهناور بودن سرزمین‏مان همه عواملی هستند که به گستردگی و پیچیدگی آن کمک کرده‏اند.ایران زمانی با واردات بیش از 3 میلیون تن فولاد،از بزرگترین وارد کنندگان فولاد جهان‏ محسوب می‏شد.در دهه شصت و در خلال جنگ،تولید فولاد کشور کمتر از یک میلیون تن بود.همین واقعیات در شکل دادن به شبکه بازار آهن و فولاد اثر می‏گذاشت.بازار آهن و فولاد تحت تسلط بی‏چون و چرای تجار وارد کننده‏ قرار داشت زیرا بیشتر آهن و فولاد مورد نیاز کشور از خارج‏ وارد می‏شد.نیاز همه نقاط کشور به آهن آلات برای‏ ساخت و ساز نیز عوامل و بازیگران بازار را در همه نقاط می‏گسترانید و شبکه وسیعی را ایجاد می‏کرد.در همین‏ زمان شبکه ویژه توزیع براساس تفکر دولت محوری در مقاطع مختلف شکل‏های متفاوت اما متمرکز و ایجاد کننده‏ رانت‏های گوناگون شکل گرفت.با توجه به حجم بالای‏ معاملات پیچیده و گسترده بودن شبکه طبیعتا رانت‏ها نیز از حجم بالایی برخوردار بود.این رانت‏ها قدرت اقتصادی‏ و نیز نفوذ تعیین کننده سیاسی خاص خود را تواسنت ایجاد کند و آن را به تدریج به اشکال مختلف نهادینه نمایند.

پس از جنگ و آغاز بازسازی،تولید فلزات به ویژه فولاد رو به افزایش نهاد،به طوری که امروز از مرز 6 میلیون تن‏ گذشته است.ایران از یک وارد کننده نسبتا مهم و بزگ،به‏ تدریج به یک صادر کننده حتی در حد کوچک و متوسط تبدیل شد.

به این ترتیب،عوامل و بازیگری جدید وارد بازار فلزات‏ شدند.چون افزایش تولید و نیز صادرات توسط دولت انجام‏ می‏گرفت.بنابراین،حرکت‏های دولتی و یا خصوصی‏ متشکل از کارکنان شرکت‏های دولتی وارد بازار شدند و موازنه را تا حدودی بهم زدند.البته بازار سامان بهتری پیدا نکرد بلکه به آشفتگی‏های قبلی نیز افزوده شد.شبکه‏ قدرتمندان بازار فلزات پیچیده‏تر شد.

بنابراین،بورس فلزات اکنون در برابر یک ساختار قوی‏ و پیچیده ولی نابسامان قرار دارد که عناصر تشکیل دهنده آن‏ از منافع اقتصادی و نفوذ سیاسی گوناگون برخور دارند.این‏ منافع براساس ساختار قبلی بازار فلزات به تدریج در طول‏ زمان به وجود آمده بود و با حفظ همان ساختار و ترکیب‏ می‏تواند توسعه یابد.تشکیل بورس فلزات که هدفش آوردن‏ همه بازیگران به یک میان واحد است تا حدودی سامان‏های‏ قبلی حاکم بر بازار را بر هم می‏زند و ممکن است موجب‏ زیان یا از بین رفتن منافع اقتصادی یا نفوذ سیاسی آنان شود. همین امر انگیزه قوی برای مقاومت در برابر ساماندهی‏ جدید خواهد شد.

بورس فلزات زمانی می‏تواند در ساماندهی بازار فلزات‏ موفق شود که همه عوامل و بازیگران بازار را که در عرضه و یا تقاضا و قیمت‏گذاری دخالت کم یا زیاد دارند،وارد صحنه‏ بورس نماید.هر قدر زمان تشکیل و ساماندهی بازار کوتاهتر باشد،هزینه‏های اقتصادی و اجتماعی ناشی از جابه‏جایی‏ مناسبات و ارتباطات عوامل بازار کمتر خواهد بود.

این چالش،به طور مشخص خود را آشکار می‏سازد و می‏تواند فرایند تشکیل و تحکیم بورس فلزات را کند و یا پرهزینه کند.بنابراین از هم اکنون به موازات تغییری که به وجود می‏آید باید به فکر روبه‏رو شدن با این چالش بود. دست‏اندرکاران بورس فلزات به تنهایی نمی‏توانند با چالش‏ داخلی روبه‏رو شوند.سیاستمداران و رسانه‏ها باید به آنان‏ کمک کنند.در غیر این صورت،مانند هر اصلاح اقتصادی‏ دیگری از این دست،پرهیزنه و زمان بر خواهد شد.

2-چالش سیاست بازرگانی خارجی:با توجه به این که میزان‏ عرضه داخلی فلزات در بورس کفاف نیازمندی‏های داخلی را نمی‏دهد و بازار فلزات کشورمان ترکیبی است از فلزات تولیدات‏ داخلی و وارداتی بنابراین باید به متشکل کردن عرضه کنندگان‏ خارجی توجه کند.بورس فلزات زمانی می‏تواند همه‏ عرضه کنندگان فلز را به کانون خود جلب نماید که بتواند تولید کنندگان یا عرضه کنندگان خارجی را نیز به حوزه خود راه‏ دهد.به عبارت دیگر،صادر کنندگان فلزات به ایران باید بتوانند خود مستقیما وارد بورس فلزات شده و از آنجا کالای خود را به متقاضیان عرضه کند.این کار طرف دیگری هم دارد و آن این‏ است که متقاضیان فلزات وارداتی باید بتوانند از طریق همین‏ بورس نیازهای خود را تأمین کنند.در واقع تا زمانی که‏ عرضه کنندگان خارجی و متقاضیان داخلی فلزات وارداتی‏ نتوانند از طریق بورس فلزات،معاملات خود را انجام دهند بورس هنوز با یکپارچگی و متشکل شدن فاصله خواهد داشت.

انجام این مهم قبل از هر چیز به یک سیاست بازرگانی‏ بورس فلزات اکنون‏ در برابر یک ساختار قوی و پیچیده ولی نابسامان قرار دارد که عناصر تشکیل دهنده آن از منافع اقتصادی و نفوذ سیاسی‏ گوناگون برخور دارند

خارجی منطفو حساب شده نیاز دارد.به عبارت دیگر لازم‏ است که واردات صادرات فلزات بورس آزاد شود،سدهای‏ تعرفه‏ای و غیر تعرفه‏ای از میان برداشته شود و بازار داخلی‏ فلزات به بازارهای بین المللی بپیوندد.این کار البته باید با برنامه‏ریزی و حساب شده انجام شود که در عین حال از قدرت‏ اقتصادی ما نکاهد.

بازرگانی خارجی کشورمان که تاکنون به عنوان یکی‏ از بسته‏ترین سیاست‏های بازرگانی باقی مانده و بازار کشور را در اغلب کالاها جدا و منزوی از جریان‏ به هم پیوسته بازار جهانی نگهداشته،نیاز به ابتکار مس

 جدول معاملات نقدی و سلف بورس فلزات

 فولاد

 جسارت،و انعطاف دارد؛کالایی که در این عرصه تاکنون‏ بسیار نادر و کمیاب بوده است.

بنابراین چالش بسیار مهم دیگر بورس فلزات این است که‏ سیاست‏گذاران محتاط محافظه کار و سنتی،بازرگانی کشور را قانع کند تا با یک رژیم منعطف بازرگانی خارجی،به آزادسازی‏ حساب شده وارادت و صادرات فلزات بورس مبادرت کرده و موجب حضور مستقیم عرضه کنندگان خارجی و متقاضیان‏ فلزات وارداتی شوند.البته باید قبول کرد که برای کشوری که‏ هنوز حتی در یک زمینه آزادسازی تجاری حتی با کشوری مانند افغانستان نداشته،خود بخود چالش بزرگی به شمار می‏رود.

3-چالش فن‏آوری:بورس‏های دنیا به سرعت خود را از چند جهت با فن‏آوری‏های دنیا تطبیق می‏دهند.سازماندهی‏ مناسب و مطابق با نیازهای روزافزون بین المللی شدن بازارها و اقتصادها،یک جهت آن محسوب می‏شود.ایجاد محیط حقوقی‏ و قانونی مناسب که بتواند جزیی‏ترین و پیچیده‏ترین مناسبات و روابط مالی بعدی را برای جلوگیری از اتفاقات ناگوار حل کند و استفاده از فن‏آوری اطلاعات و برنامه‏های نرم‏افزاری که‏ بورس‏های پیشرفته دنیا به طور مستمر در حال روزآمد کردن‏ آنها هستند،این هر سه موضوع را می‏توان چالش فن‏آوری و یا چالش روزآمد نگه داشتن بورس نامید.بورس فعلی فلزات‏ مانند بورس اوراق بهادار ما از یک چارچوب حقوقی و قانونی‏ بورس فلزات زمانی می‏تواند همه عرضه‏کنندگان فلز را به کانون‏ خود جلب نماید که بتواند تولید کنندگان‏ یا عرضه کنندگان خارجی را نیز به حوزه خود راه دهد

قدیمی و یک سازماندهی سنتی رنج می‏برد.قوانین حاکم بر آن‏ بسیار بسیط و ساده و بسیاری از امور را واگذار به تفسیر و تعبیرهای‏ مختلف دست‏اندرکاران آن کرده است.کشور ما در برابر واقعیت‏ بین المللی شدن اقتصاد خود قرار گرفته است.بین المللی شدن‏ اقتصاد و راه‏یابی بازارهای داخلی به بازارهای خارجی و بین المللی‏ در بخش کالا و سرمایه،انعطاف و ابتکارهای جدیدی می‏طلبد. هر قدر زودتر به فکر چاره اندیشی در مورد چگونگی برخورد با وجود مختلف بین المللی شدن اقتصاد بیافتیم چالش‏های آن را بهتر پاسخ می‏دهیم،هزینه کمتریمی‏کنیم و از فرصت‏های آن‏ بیشتر بهره می‏جوییم.